

آیا عزاداری و گریه تنها برای امام حسین علیه السلام ثواب دارد یا شامل عزاداری اهل بیت غیر معصوم ایشان نیز می‌شود.

سؤال کننده: علی

توضیح سؤال:

سؤالی که چند وقت است ذهنم را مشغول کرده این است، روایات و احادیثی که دلالت بر اجر و ثواب عزاداری و گریه بر حضرت سید الشهداء دارد آیا مشمول مادون حضرت ابا عبد الله هم می‌شود؟ مثلاً ما با شنیدن نام مبارک حضرت عباس یا حضرت رقیه یا حضرت زینب اشک مان جاری می‌شود و دل مان می‌سوزد آیا اجر و ثوابی دارد یا اینکه این ثوابها مخصوص عزاداری برای حضرت ابا عبد الله است. با تشکر

پاسخ:

مقدمه

در احادیث اهل بیت علیهم السلام نسبت به ثواب گریه و عزاداری برای حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و دیگر معصومان ، تأکید فراوانی شده است. از جمله مرحوم صدوق در کتاب ثواب الاعمال از حضرت امام سجاد علیه السلام روایت می‌کند: «أیما مؤمن من دمعت عیناه لقتل الحسین علیه السلام حتی تسیل علی خده بوأه الله تعالی بها فی الجنة عرفا یسکنها أحقابا وأیما مؤمن دمعت عیناه حتی تسیل علی خدیه فیما مسنا من الأذى من عدونا فی الدنيا بوأه الله منزل صدق، وأیما مؤمن مسه أذى فینا فدمعت عیناه حتی تسیل علی خده من مضاضة أو أذى فینا صرف الله من وجهه الأذى وآمنه یوم القیامة من سخط النار.»

«هر مؤمنی که بخاطر شهادت امام حسین علیه السلام چشمانش اشک آلود شود، تا اینکه اشکش بر گونه اش جاری شود، خدای تعالی در بهشت جایگاهی عنایت می‌کند که مدتهای طولانی در آن ساکن خواهد بود. و هر مؤمنی که بخاطر اذیت هایی که از جانب دشمنان ما به ما رسیده، از چشمانش بر گونه‌هایش اشکی جاری گردد، خداوند جایگاه مناسب و نیکو به

او عنایت می‌کند و هر مومنی که در راه ما (اهل بیت) آزاری ببیند و چشمانش اشک آلود شود و اشکهایش بر گونه‌هایش جاری شود، خداوند اذیت را از او برطرف می‌کند و در قیامت او را از عذاب آتش در امان می‌دارد».

صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، متوفای ۳۸۱ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۳، قم، منشورات رضی، دوم، ۳۶۸ش.

همچنین در منابع اهل سنت به ثواب گریه و عزاداری برای امام حسین و دیگر

اهل بیت علیهم السلام تصریح شده است؛ چنانکه احمد بن حنبل روایت می‌کند:

«كان حسين بن علي يقول من دمعتا عيناه فينا دمعة أو قطرت عيناه فينا قطرة اثواه

الله عز وجل الجنة.»

«حسین بن علی علیه السلام بارها می‌فرمود: هر کس به خاطر ما گریه کند و یا از چشمانش قطره اشکی جاری شود، خداوند او را در بهشت جای خواهد داد».

الشیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۷۵، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسه الرسالة، الاولى، ۴۰۳ق - ۱۹۸۳م.

از سوی دیگر در خصوص گریه و عزاداری امام معصوم برای غیر معصوم، مرحوم

کلینی در کتاب کافی شریف روایت معتبری را نقل می‌کند که در آن امام حسن عسکری

در عزای برادر خود جناب سید محمد، گریبان چاک داده‌اند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ مِنْهُمْ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَفْطَسُ أَنَّهُمْ حَضَرُوا يَوْمَ تُوْفِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بَابَ أَبِي الْحَسَنِ يُعْزُونَهُ وَقَدْ بَسَطَ لَهُ فِي صَحْنِ دَارِهِ وَالنَّاسُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ فَقَالُوا قَدَرْنَا أَنْ يَكُونَ حَوْلَهُ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ وَبَنِي هَاشِمٍ وَقُرَيْشٍ مِائَةٌ وَخَمْسُونَ رَجُلًا سِوَى مَوَالِيهِ وَسَائِرِ النَّاسِ إِذْ نَظَرَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدْ جَاءَ مَشْقُوقَ الْجَيْبِ حَتَّى قَامَ عَنْ يَمِينِهِ وَنَحْنُ لَا نَعْرِفُهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عَ بَعْدَ سَاعَةٍ فَقَالَ يَا بَنِيَّ أَحَدِثْ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ شُكْرًا فَقَدْ أَحْدَثَ فِيكَ أَمْرًا فَبَكَى الْفَتَى وَحَمِدَ اللَّهَ وَاسْتَرْجَعَ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ تَمَامَ نِعْمِهِ لَنَا فِيكَ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَسَأَلْنَا عَنْهُ فَقِيلَ هَذَا الْحَسَنُ ابْنُهُ وَقَدَرْنَا لَهُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْجَحَ فَيَوْمَئِذٍ عَرَفْنَاهُ وَعَلِمْنَا أَنَّهُ قَدْ أَشَارَ إِلَيْهِ بِالْإِمَامَةِ وَأَقَامَهُ مَقَامَهُ.»

«محمد بن یحیی و دیگران از سعد بن عبد الله از گروهی از بنی هاشم از جمله حسن بن

حسن افطس نقل کرده‌اند که آنها در روز وفات محمد بن علی (فرزند دیگر امام هادی علیه

السلام) برای عرض تسلیت به آن حضرت به حضورش شرفیاب شدند درحالیکه در حیات خانه فرشی برایشان گسترده شده بود. مردم اطراف ایشان نشسته بودند. ما تعداد آنها را که از آل ابوطالب و بنی هاشم و قریش بودند را شمردیم که غیر از خدمتکاران و دیگر مردم صد و پنجاه نفر بودند. در این هنگام امام هادی علیه السلام به حسن بن علی علیه السلام نگاه کرد درحالیکه با گریبان چاک خورده آمد و در سمت راست او ایستاد ولی ما او را نمی‌شناختیم. بعد از لحظاتی امام هادی علیه السلام به او نگاهی انداخت و فرمود: پسر! شکر خدا را بجا آور که خدا امر مهمی را در وجود تو قرار داده است. پس آن جوان (امام عسکری علیه السلام) گریست و حمد خدا را بجا آورد و سپس آیه شریفه «أنا لله و أنا الیه راجعون» را تلاوت نمود و به پدر عرض کرد: «سیاس مخصوص پروردگار جهانیان است و من از خدا تمام نعماتش را برای خودمان در وجود شما می‌خواهم. و قطعا ما از آن خدا هستیم و بسوی او باز می‌گردیم». ما از دیگر افراد [حاضر در جلسه] پرسیدیم که آن جوان کیست؟ به ما گفتند: او حسن فرزند امام هادی علیهما السلام است. ما در آن وقت سن او را حدود بیست سال یا بیشتر تخمین زدیم و در آن روز او را شناختیم و دانستیم که قطعا امام هادی علیه السلام در فرمایش خود به امامت و جانشینی فرزندش حسن پس از خود اشاره فرموده است.»

کلینی، محمد بن یعقوب، متوفای ۳۲۹ق، الکافی، ج ۱ ص ۳۲۷، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۳۸ق.

همان طور که ملاحظه نمودید امام حسن عسکری علیه السلام در وفات برادرشان گریبان چاک زدند و گریه کردند؛ بنا بر این علاوه بر مستحب بودن گریه برای [اهل بیت] غیر معصوم، گریبان چاک زدند نیز برای خاندان اهل بیت علیهم السلام ثابت می‌شود.

اما در مورد گریه و عزاداری بر اهل بیت غیر معصوم امام حسین علیه السلام مانند حضرت زینب، حضرت ابا الفضل و حضرت علی اکبر علیهم السلام نیز مواردی در تاریخ ذکر شده که در ادامه در ضمن دو دلیل به آن می‌پردازیم:

دلیل اول: سیره اهل بیت علیهم السلام در گریه و عزاداری بر اهل بیت غیر

معصومان

الف) گریه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در مصیبت حضرت

ابالفضل علیه السلام

امام حسین علیه السلام در کربلا پس از شهادت حضرت ابا الفضل علیه السلام، برای برادر بزرگوار خود، به شدت گریستند؛ چنانچه مرحوم ابن طاوس نقل می‌کند:

«ثم اقتطعوا العباس عنه وأحاطوا به من كل جانب حتى قتلوه قدس الله روحه فبکی

الحسین علیه السلام لقتله بكاء شديدا».

«سپس (در میدان جنگ) بین عباس علیه السلام و امام حسین علیه السلام فاصله انداختند و حضرت عباس علیه السلام را از هر جهت محاصره کردند تا اینکه او را به شهادت رساندند. سپس امام حسین علیه السلام بنخاطر شهادت اباالفضل علیه السلام به شدت گریست».

ابن طاوس، علی بن موسی، متوفای ۱۶۶ق، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۷۰، قم، انوار الهدی، اول، ۱۴۱۷ق.

گریه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بر حضرت ابا الفضل علیه السلام

دلیل محکمی بر جواز؛ بلکه استحباب گریستن بر اهل بیت غیر معصوم است.

مرحوم علامه مجلسی چنین نقل می‌کند:

وصاح إلى أخيه الحسين: أدرکني، فلما أتاه رآه صريعا فبکی وحمله إلى الخيمة.

ثم قالوا: ولما قتل العباس قال الحسين عليه السلام: الآن انكسر ظهري وقلت حيلتي.

[حضرت ابا الفضل علیه السلام] فریاد برآورد و از برادرش امام حسین علیه السلام خواست تا او را دریابد، امام علیه السلام به سرعت آمد و دید که ایشان روی زمین افتاده، در این هنگام امام حسین علیه السلام گریه کرد و بیکر [مطهر] حضرت ابا الفضل علیه السلام را به خیمه برد. راویان نقل کرده اند: وقتی حضرت عباس علیه السلام به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام فرمود: الان کمرم شکست و چاره از کف داده ام.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲، محقق: محمد الباقر البهبودی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ناشر: مؤسسه

الوفاء - بیروت - لبنان.

ب) گریه‌ی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در مصیبت حضرت

علی اکبر علیه السلام

گریه و عزاداری ابا عبد الله الحسین علیه السلام در مصیبت فرزندشان حضرت علی اکبر علیه السلام نیز دلیل محکمی بر استحباب گریه بر حضرت علی اکبر علیه السلام است؛ چنانکه آمده است:

«فجاء الحسین علیه السلام حتی وقف علیه فقال: قتل الله قوما قتلوك یا بنی، ما أجرأهم علی الرحمن وعلی انتهاك حرمة الرسول! وانهملت عیناه بالدموع ثم قال: علی الدنيا بعدك العفاء.»

«امام حسین علیه السلام خود را به علی اکبر رساند و بر جسد او ایستاد و فرمود: فرزندم! خداوند مردمی که تو را کشتند، بکشد! چه چیز آنها را در برابر خدای رحمان و هتک حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گستاخ قرار داد! چشمان ابا عبد الله علیه السلام پر از اشک شد و فرمود: علی جان! پس از تو خاک بر این دنیا.»

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۶، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، دار المفید

ج) گریه و ذکر مصیبت امام سجاد علیه السلام در بازگشت از کربلا و

در بدو ورود به مدینه

امام سجاد علیه السلام در بازگشت از سفر مصیبت بار کربلا، قبل از ورود به مدینه مجلس عزا بر پا نموده و بر مصائب پدر بزرگوار و اهل بیت ایشان به شدت گریه کردند. سید بن طاووس در این باره می‌نویسد:

«وكان علی بن الحسین علیه السلام داخلا فخرج ومعه خرقة یمسح بها دموعه

وخلفه خادم معه كرسي فوضعه له وجلس علیه وهو لا يتمالك عن العبرة وارتفعت أصوات الناس بالبكاء وحنين النسوان والجواري والناس يعزونه من كل ناحية فضجت تلك البقعة ضجة شديدة ...

أيها القوم ان الله وله الحمد ابتلانا بمصائب جلیلة وثلمة في الاسلام عظيمة قتل أبوعبد الله الحسین علیه السلام وعترته وسبی نساءه وصبیته ... ثم إنه «علیه السلام» رحل إلى المدينة بأهله وعیاله ... وتقول: یا قوم أعذروني علی النیاحة والعیول، وساعدوني

علی المصاب الجلیل، فإن القوم الذین أندب لفراقهم وأحن إلى کرم أخلاقهم، کانوا سمار لیلی ونهاری وأنوار ظلمی وأسحاری وأطناب شرفی وإفتخاری، وأسباب قوتی وإنتصاری، والخلف من شموسی وأقماری ...».

« امام علی بن الحسین علیه السلام درون خیمه بود. پس از لحظه ای از خیمه بیرون آمد و با دستمالی که در دست داشت، اشک چشمانش را پاک می کرد. از پی آن حضرت، خادمی آمد، چهار پایه ای آورد و آن را زمین گذاشت و امام زین العابدین علیه السلام بر آن نشست، ولی نمی توانست از ریختن اشک خودداری کند.

صدای گریه از هر جانب برخاست و ناله زنان و کنیزان بلند شد و مردم از هر طرف به آن حضرت، تسلیت می گفتند. تمام فضا، یکپارچه گریه و ناله بود ...

امام علیه السلام در ادامه فرمودند: ای مردم! قطعاً خدا - که سپاس مخصوص اوست - ما را به مصیبت‌های بزرگی در اسلام مبتلا فرمود. اباعبد الله الحسین علیه السلام و اهل بیت او کشته شدند و زنان و کودکانش به اسارت برده شدند ... امام سجاد (علیه السلام) با اهل و عیال خود به مدینه آمد ... امام علیه السلام می فرمود: ای مردم! از این که چنین نوحه سرایی می کنم و فریاد می زنم، مرا معذور دارید. شما هم در این مصیبت مرا یاری کنید، زیرا آن کسانی که من از فراق آنان می نالم و بر اخلاق کریمه آنان سوگووارم، همدمان شب و روز من و چراغ روشن تاریکیها و سحرها، ریسمان خیمه شرف و افتخار، باعث نیرو و پیروزی من، و به جای خورشید و ماه من بودند.»

ابن طاوس، علی بن موسی، متوفای ۶۶۴ ق، اللهوف فی قتلی الطفوف، صص ۱۱۷-۱۱۸، قم، انوار الهدی، اول، ۴۱۷ق.

همان گونه که ملاحظه نمودید امام سجاد علیه السلام قبل از رسیدن به مدینه و در بدو ورود به این شهر برای شهدای کربلا مجلس عزاداری و روضه بر پا نمودند و برای آنها گریستند و از آنجایی که همه شهدای کربلا معصوم نبودند، این عمل امام نشانگر این است که برای شهدای غیر معصوم کربلا نیز همانند معصوم، گریستن و برگزاری مراسم عزاداری مستحب است.

دلیل دوم: احادیث و زیارات وارد شده درباره اباعبدالله الحسین علیه السلام

واصحابش

در زیارت عاشوراء که از بهترین و با فضیلت‌ترین زیارتهای ابا عبد الله الحسین علیه السلام است، ذکر فضائل و مصیبت امام حسین علیه السلام در کنار اهل بیت و اصحاب آن حضرت آمده است. از جمله فراز سلام به آن حضرت و اهل بیت و اصحاب ایشان که مستحب است، صد مرتبه تکرار شود:

«السلام عليك يا أبا عبد الله وعلى الأرواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله أبدا ما بقيت وبقي الليل والنهار، ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين وعلي بن الحسين وعلى أصحاب الحسين.»

«سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر ارواحی که خود را فدای تو کردند. از طرف من سلام خدا تا ابد که من باقی هستم و روز و شب باقی است بر تو باد! و خدا این زیارت مرا آخرین زیارتم قرار ندهد. سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر اصحاب حسین. (شخص زائر این سلامها را صد بار تکرار کند).»

طوسی، محمد بن حسن، متوفای ۴۶۰ق، مصباح المتعجد، ص ۷۷۶، بیروت، موسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ ق.

در فراز دیگر ابا عبد الله علیه السلام و اهل بیت آن حضرت را این‌گونه خطاب می‌کنیم:

«يا أبا عبد الله ! إني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم إلى يوم القيامة.»

«ای ابا عبد الله ! قطعاً من تا روز قیامت در صلح و مسالمت هستم با هر که با شما در صلح و مسالمت است و در جنگ هستم با هر که با شما در جنگ است.»

طوسی، محمد بن حسن، متوفای ۴۶۰ق، مصباح المتعجد، ص ۷۷۴، بیروت، موسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ ق.

در تمام این اظهار محبتها و مصیبتها اصحاب و اهل بیت امام حسین علیه السلام دوشادوش آن حضرت مطرح هستند و مصیبت آنها و امام معصوم علیه السلام یکی است.

افزون بر این، نکته‌ی قابل توجه در این زیارت شریف، این است که خطاب ما به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام حدود ۱۴ مورد است؛ در حالیکه خطاب ما به صورت جمعی به ایشان و اهل بیت همراهشان، بیش از ۳۳ مورد؛ یعنی بیش از دو برابر است. این مسئله نیز دلیلی بر ثواب گریه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام و بر اولاد و اصحاب ایشان است. و این بدین سبب است که راه و هدف همراهان امام حسین علیه السلام، دقیقا همان راه و هدف خود امام حسین علیه السلام بوده است. بهترین دلیل یکی بودن ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام و گریه بر اهل بیت و اصحابشان، دو چیز است:

اول: کلام امام حسین علیه السلام در شب عاشورا خطاب به اصحاب با وفای خود که فرمودند:

«فإني لا أعلم أصحابا أوفى ولا خيرا من أصحابي، ولا أهل بيت أبر ولا أوصل من أهل بيتي فجزاكم الله عني خيرا».

«قطعا من اصحابی با وفا تر و بهتر از اصحابم و اهل بیته نیکوکار تر و بهتر از اهل بیتم سراغ ندارم. پس خدا بخاطر من به شما جزای خیر دهد».

شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۳، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، دار المفید

امام رضا علیه السلام در وصف اهل بیت امام حسین علیه السلام چنین می فرمایند:

«وقتل معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلا ما لهم في الأرض شبيهون».

به همراه آن حضرت هجده تن از اهل بیته به شهادت رسیدند که در زمین مثل و مانندی نداشتند.

صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، متوفای ۳۸۱ق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۶۸، تحقیق: حسین الأعلمی، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان.

دوم: اصحاب و اهل بیت امام حسین علیه السلام هرچه داشتند فدای امام علیه السلام کردند. جان خود را براحتی در راه مولای خویش فدا کردند. تا زنده بودند نگذاشتند کوچکترین آسیبی به امام زمانشان برسد. این ناشی از کمالات روحی بالای ایشان بود. چنانچه در فراز پایانی زیارت شریف عاشورا چنین می خوانیم :

ثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين و أصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام.

[خداوندا] به همراه امام حسین علیه السلام و اصحابش همان افرادی که جانشان را فدای امامشان کردند، مرا نیز نزد خودت در مسیر راست و مستقیم، ثابت قدم نما. به همین جهت در شب عاشورا پس از اینکه امام حسین بیعت خود را از گردن آنها برداشت و به آنها اجازه خروج از معرکه و محاصره دشمن را داد، آنها به امام خود چنین عرض ارادت کردند:

«قام إليه مسلم بن عوسجة فقال: أنخلي عنك ولما نعدز إلى الله سبحانه في أداء حقلك؟! أما والله حتى أظعن في صدورهم برمحي، وأضربهم بسيفي ما ثبت قائمه في يدي، ولو لم يكن معي سلاح أقاتلهم به لقدفتم بالحجارة، والله لا نخليك حتى يعلم الله أن قد حفظنا غيبة رسول الله صلى الله عليه وآله فيك، والله لو علمت أني أقتل ثم أحيا ثم أحرقت ثم أحيا ثم أذرى، يفعل ذلك بي سبعين مرة ما فارقتك حتى ألقى حمامي دونك، فكيف لا أفعل ذلك إنما هي قتلة واحدة ثم هي الكرامة التي لا انقضاء لها أبدا. وقام زهير بن القين البجلي - رحمة الله عليه - فقال: والله لو ددت أني قتلت ثم نشرت ثم قتلت حتى أقتل هكذا ألف مرة، وأن الله تعالى يدفع بذلك القتل عن نفسك، وعن أنفس هؤلاء الفتيان من أهل بيتك لفعلت وتكلم بعض أصحابه بكلام يشبه بعضه بعضا في وجه واحد فجزاهم الحسين عليه السلام خيرا».

«مسلم بن عوسجه از جا برخاست و عرض کرد: آیا تو را رها کنیم؟! پس در آن صورت چه عذری به درگاه خدا داریم که حق تو را ادا نکردیم؟! به خدا قسم با نیزه خود در قلبهای دشمنان تو خواهم زد و با شمشیرم تا زمانی که در دستم باشد به آنها ضربه خواهم زد و اگر سلاحی همراهم نباشد (بخاطر دفاع از تو) بسوی دشمنانت سنگ پرتاب خواهم کرد. بخدا قسم تو را تنها نخواهیم گذاشت تا خدا بداند که قطعا ما در غیبت و نبودن رسول الله صلی الله علیه و آله حق تو را نگاه داشتیم و بخدا قسم اگر بدانم که کشته خواهم شد سپس زنده می شوم سپس به آتش کشیده خواهم شد و خاکسترم به باد خواهد رفت و این نوع کشته شدن هفتاد بار برایم اتفاق بیفتد هرگز از تو جدا نخواهم شد تا اینکه جانم را در راهت فدا کنم. چگونه چنین نکنم؟! درحالیکه من یکبار بیشتر در راهت کشته نخواهم شد. از این گذشته

این کرامتی برای من است که تا ابد پایانی برایش نیست. پس از او زهیر بن قین از جا برخاست و عرض کرد: بخدا قسم دوست دارم در راه تو هزار بار کشته شوم تا بدین وسیله خدا جان تو و جوانان اهل بیت را حفظ کند. بعضی از دیگر اصحاب امام نیز چنین عبارتی در محضر امام علیه السلام عرضه داشتند و امام حسین علیه السلام نیز برایشان دعای خیر نمود.»
شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۳، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلم لتحقیق التراث، دار المفید.

آری! اهل بیت و اصحاب آن حضرت در راه امام خود به راحتی از جان گذشتند و تمام هستی خویش را فدای آن امام عزیز نمودند و به گونه ای بودند که امام رضا علیه السلام اهل بیت ایشان را بی مانند ترین افراد در زمین توصیف کردند و امام حسین علیه السلام اصحابشان را با وفا ترین و اهل بیت شان را نیکوکار ترین اشخاص خواندند. بنابراین گریه و عزاداری بر چنین افرادی همانند گریه و عزاداری بر معصومین علیهم السلام می باشد.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج)